

پیشوای یازدهم، پدر منجی بشریت

شبکه وکالت در زمان امام عسکری علیه السلام نسبت به سایر ائمه علیهم السلام پر رنگ تر بود؛ چرا که هم تقیه و خفقان بیشتری بود و هم شیعه بیشتر گسترش یافته بود.



به مناسبت شهادت امام عسکری علیه السلام؛

شبکه وکالت در زمان امام عسکری علیه السلام نسبت به سایر ائمه علیهم السلام پر رنگ تر بود؛ چرا که هم تقیه و خفقان بیشتری بود و هم شیعه بیشتر گسترش یافته بود.

یازدهمین پیشوای شیعیان، حضرت ابو محمد، امام حسن عسکری علیه السلام در سال 232 ه.ق به دنیا آمد. بعد از شهادت پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام، در سال 254، در سن 22 سالگی به امامت رسید. شش سال دوران امامت امام عسکری علیه السلام بود و بنابر مشهور در هشتم ربیع الاول سال 260، در سن 28 سالگی به واسطه مسمومیتی که از جانب معتمد عباسی علیه اللعنة دچار شده بود به شهادت رسید و در خانه خودش در سامرا، در جوار پدر معصومش دفن گردید. این امام همام بعد از حضرت جوادالائمه علیه السلام جوان ترین امام شیعه به شمار می رود.

مادر ایشان بانویی پارسا بود که "حَدِيثَه" یا "حَدِيث" نام داشت. "سوسن" هم به او گفته شده و از این جهت که مادر بزرگ حضرت صاحب الزمان علیه السلام بود، به "جده" هم معروف بوده است.

امام علیه السلام از آن جهت که به دستور خلیفه عباسی در سامرا و در محله عسکر سکونت داشت، عسکری نامیده شده است. مشهورترین لقب دیگر حضرت "زکی" می باشد.

امام عسکری علیه السلام در دوران کوتاه امامتش با سه تن از خلفای ستمگر بنی عباس، معاصر بود.

1- المعتز بالله (252- 255)

2- المهتدی بالله (255- 256)

3- المعتمد بالله (256- 279)

[سال های مذکور، مدت زمان خلافت حاکمان عباسی است]

معتز و معتمد پسران متوکل عباسی بودند و مهتدی پسر عموی این ها بود. مهتدی در بین خلفای عباسی از حیث عملکرد چیزی شبیه عمر بن عبدالعزیز در بنی امیه بود؛ ولی چون دشمن امام علیه السلام و غاصب خلافت بود، قطعاً ظالم به حساب می آید.

امام عسکری علیه السلام در زمان معتمد به شهادت رسید؛ ولی دو خلیفه قبلی (معتز و مهتدی) هم تصمیم داشتند که امام را به قتل برسانند، ولی هر دوی آن ها قبل از این که نقشه شومشان را عملی کنند توسط ترکان که نفوذ زیادی در دربار عباسی داشتند و عملاً زمام امور را به دست گرفته بودند، کشته شده و به درک واصل گردیدند.

اوضاع سیاسی- اجتماعی عصر امام عسکری علیه السلام

خلفای عباسی که عملکردی بدتر از بنی امیه داشتند، فشار و محدودیت شدیدی را برای ائمه علیهم السلام اعمال می کردند. این محدودیت ها در عصر امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیه السلام و به خصوص در زمان امام عسکری علیه السلام از همه بیشتر بود. ایشان مجبور بود که هر دوشنبه و هر پنجشنبه در دارالخلافه حاضر شود.

افزایش محدودیت در زمان امام یازدهم، به دو علت از دو امام دیگر بیشتر بود:

1- در زمان امام عسکری علیه السلام شیعه به صورت یک قدرت عظیمی در عراق در آمده بود و همه می دانستند که شیعه برای خلفای عباسی هیچ مشروعیتی قائل نیست و امامت الهی را منحصر در فرزندان علی علیه السلام می داند؛ شخصیت ممتاز این خانواده هم امام حسن عسکری علیه السلام بود.

2- خاندان عباسی و پیروان آنان، طبق روایات متواتر می دانستند مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف که نابود کننده حکومت های ظالم است، از نسل امام عسکری علیه السلام می باشد؛ به همین جهت پیوسته مراقب وضع زندگی امام بودند و در صدد نابودی فرزند حضرت بودند. (1)

ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان مناطق مختلف

با توجه به گسترش تشیع، از زمان امام جواد علیه السلام شبکه ارتباطی وکالت و نصب نمایندگان در مناطق مختلف اجرا شد. البته وکالت در زمان ائمه قبل هم بوده، ولی از این زمان شکل ویژه و جدی تری گرفت.

همچنین خفقان و شرایط سخت آن دوران که ارتباط با شخص امام، امنیت شیعیان را به خطر می‌انداخت، مزید بر علت بود که چنین سیستمی باشد تا امام با شیعیان ارتباط داشته باشد؛ چرا که شیعیان به هر حال برای پاسخ سؤالات شرعی خود و همچنین پرداخت خمس و سایر امور مرتبط و مدیریت و رهبری ایشان توسط امام، ناگزیر بودند که با امام در ارتباط باشند و وقتی امکان دسترسی به شخص امام نیست، قاعدتاً باید افرادی به عنوان وکیل و نایب، رابط بین امام و شیعیان باشند.

از طرف دیگر چه بسا آماده سازی شیعه برای دوران غیبت کبری هم انگیزه‌ای برای شبکه وکالت بوده که کم‌کم جا بیفتد و شیعیان از طریق وکلا نیازهای شرعی خود را برطرف سازند.

این شبکه وکالت در زمان امام عسکری علیه‌السلام پر رنگ‌تر بود؛ چرا که هم تقیه و خفقان بیشتری بود و هم شیعه بیشتر گسترش یافته بود.

برای مشخص شدن شدت خفقان، دو نمونه ذکر می‌شود:

1- یکی از اصحاب حضرت می‌گوید ما در محله عسکر اجتماع کرده بودیم و مترصد این بودیم که حضرت بیرون بیاید و ما او را ببینیم؛ در این هنگام نامه‌ای از طرف حضرت به ما رسید که هیچ کدام به من سلام نکنید و نه با دست و نه با سر به طرف من اشاره نکنید؛ زیرا برای شما خطر دارد... (2)

2- محمد بن عبد العزیز بلخی نقل می‌کند: یک روز در بازار گوسفند فروشان بودم، چشمم به حضرت عسکری علیه‌السلام افتاد که از منزل خود می‌آمد و تصمیم داشت به دار الخلافه برود. من در دل با خود گفتم اگر صلاح باشد فریاد می‌زنم که ای مردم! این حجت خداست او را بشناسید؛ ولی مرا می‌کشند.

همین که امام نزدیک من رسید با انگشت سیاه خود اشاره کرد ساکت باش!

همان شب ایشان را دیدم و فرمود باید کتمان کنی و گرنه کشته می‌شوی! از جان خود بترس! (3)

برخی از اصحاب امام(ع)

شیخ طوسی در رجال بیش از صد نفر را از اصحاب امام عسکری علیه‌السلام شمرده است. برخی از این‌ها، شخصیت‌های شاخصی بودند که اشاره‌ای به بعضی از آن‌ها می‌شود:

احمد بن اسحاق اشعری قمی؛ وی یکی از صحابه جلیل‌القدر امام عسکری علیه‌السلام و از بزرگان قم به شمار می‌رود. وی از معدود افرادی می‌باشد که قبل از شهادت امام عسکری علیه‌السلام توفیق دیدار امام عصر علیه‌السلام را در دوران کودکی حضرت داشته است. این در حالی است که به خاطر حفظ جان حضرت مهدی علیه‌السلام، ولادت ایشان بر خیلی از شیعیان مخفی بوده، چه برسد به این‌که حضرت را ببینند.

همین تشرف احمد بن اسحاق نشان از این دارد که وی از اصحاب خاص و درجه یک بوده که امام عسکری علیه‌السلام، فرزند گرامیش را به او نشان داده است. امام عسکری در این رابطه به او فرمود: «يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى حُجَّجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا...» ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای تعالی و حجت‌های او گرامی نبودی، این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم... (4)

محمد بن جریر طبری در دلایل الامامه می‌نویسد: احمد بن اسحاق، استاد شیخ صدوق و نماینده امام عسکری علیه‌السلام بود. بعد از در گذشت امام عسکری علیه‌السلام وکالت حضرت صاحب الزمان(عج) را داشته است... (5)

مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام که هم اینک در قم و نزدیک حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها می‌باشد، بنابر مشهور توسط احمد بن اسحاق و به دستور امام عسکری علیه‌السلام ساخته شده است.

ابوهاشم، داود بن قاسم جعفری؛ وی از نسل جعفر طیار بوده و از بنی‌هاشم به حساب می‌آید. او یکی از یاران صمیمی امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام بوده است. خیلی از معجزات و کراماتی که از این ائمه صادر شده است، راوی و ناقلش ابوهاشم بوده است. گفته شده که امام زمان علیه‌السلام را هم دیده است.

ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری؛ شخصیتی جلیل‌القدر از خواص اصحاب امام عسکری علیه‌السلام بود و به خاطر این‌که روغن فروش بود، به سمتان هم معروف است. امام عسکری علیه‌السلام در مورد او و پسرش محمد بن عثمان فرمود: عمری و پسرش، هر دو ثقه و مطمئن هستند؛ هر چه به تو رساندند از من است و هر چه به تو گفتند سخن من است. سخن آنها را بپذیر و اطاعت کن، به درستی که آنها ثقه و مورد اعتماد هستند. وی همچنین اولین نایب خاص امام زمان علیه‌السلام نیز می‌باشد که مدت کوتاهی نیابت خاصه حضرت را بر عهده داشت و بعد از او هم پسرش محمد بن عثمان عهده‌دار این مسئولیت بود.

محمد بن الحسن الصقار؛ صاحب کتاب ارزشمند "بصائر الدرجات" است که تألیفات دیگری هم داشته و از فقها و محدثین مورد وثوق و سرشناس قرن سوم می‌باشد. وی از اصحاب امام عسکری علیه‌السلام شمرده می‌شود و روایاتی از ایشان نقل کرده است. (6)

برخی از معجزات و کرامات

- نصیر خادم می‌گوید: بارها می‌شنیدم که امام حسن عسکری علیه‌السلام با غلامان ترک و رومی و صقالی خود به زبان خودشان سخن می‌گفت. من تعجب کردم و با خود می‌گفتم: حضرت که در مدینه متولد شده و تا(پدرش) ابو الحسن علیه‌السلام وفات کرد، پیش کسی نرفت و کسی او را ندید [که درس بخواند یا با اهل این لغات مکالمه کند].

من این موضوع را پیش خودم فکر می‌کردم که حضرت به من رو کرد و فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی حجت خود را با سایر مردم در

همه چیز امتیاز بخشیده و معرفت، لغات، انساب، مرگ‌ها و پیش آمدها را به او عطا فرموده و اگر چنین نبود، میان حجت و محجوج (امام و مأموم) فرق نبود. (7) [صقالبه، نژادی بودند که در دنیای امروز، تقریباً شرق اروپا مثل یوگسلاوی و بلاروس را شامل می‌شود].

- از ابوهاشم جعفری روایت شده که گفت: از فقر و تنگدستی به حضرت عسکری علیه‌السلام شکایت کردم؛ حضرت با تازیانه خود به زمین خطی کشید و شمش‌ی طلا از آن بیرون آورد که حدود پانصد اشرفی بود و فرمود: ای ابوهاشم این را بگیر و ما را معذور دار! (8)

- حسن بن ظریف می‌گوید: دو مسأله به نظرم رسید و اراده کردم آنها را از حضرت ابو محمد علیه‌السلام بپرسم؛ از آن جناب پرسیدم هنگامی که قائم قیام می‌کند، چگونه حکم می‌کند و در کجا برای اقامه حکم خواهد نشست؟ و نیز در نظر داشتیم از وی بپرسم درباره کسی که تب دارد هم چیزی مرقوم بفرمایند؛ لیکن در هنگام نوشتن موضوع تب را فراموش کردم.

پس از چندی جواب رسید که قائم هنگامی که قیام کند در بین مردم به علم خودش حکم خواهد کرد و از کسی بی‌تنبه نخواهد خواست، همان طور که داود به حکم خودش بین مردم حکم می‌نمود. تو قصد داشتی در باره تب، چیزی بپرسی؛ لکن فراموش کردی، اکنون متوجه باش و آیه شریفه یا "نازُ گونی بَرْدًا وَ سَلامًا" را بر ورقه‌ای بنویس و برگردن مریض ببنداز. راوی می‌گوید: من طبق دستور امام علیه‌السلام عمل کردم و مریض خوب شد. (9)

فضیلت علمای شیعه

از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل است که فرموده: روز قیامت علمای شیعه ما، عهده‌دار محبتین و اهل ولایت ناتوان ما، در حالی وارد محشر می‌شوند که نور از تاج‌های زیبایی که بر سرشان است، می‌تابد و این انوار در تمام عرصه و سرای قیامت تا مسیر سیصد هزار سال پخش می‌شود. پرتو نور آن تاج‌ها، تمام صحنه قیامت را در بر می‌گیرد.

در آن‌جا تمام یتیمانی که کفالتشان را بر عهده داشته‌اند و از تاریکی جهل، رهایشان ساخته‌اند و از حیرت گمراهی خارجشان کرده بودند، با پرتوی از آن نور مرتبط شده و آن‌ها را بالا می‌برند تا روبروی بالای بهشت می‌رسند، آن وقت هر کدامشان را در منازل از پیش تعیین شده در کنار اساتید و معلمینشان جای داده و به خدمت امامانی که به سوی آنان می‌خواندند حاضر می‌نمایند. پرتو نور این تاج‌ها، دشمنان اهل بیت را کور و کر و لال نموده و به سوی آتش سوق می‌دهد. (10)

در نقل دیگری از امام عسکری علیه‌السلام است که فرمود: جمعی از دوست‌داران آل محمد علیهم‌السلام [از نظر علمی] مسکین و فقیرند؛ همان گروهی که در برابر دشمنان ما ناتوان بوده و مورد اعتراض و ملامت و طعن مخالفان واقع می‌شوند؛ یاری و مساعدت نمودن به این فقرا افضل و برتر از کمک کردن به فقرای معمولی بی‌مال و ثروت است. هر که از این جماعت دستگیری نموده، با سلاح علم و برهان در برابر دشمن نیرو بخشد، فقر و عجز آنان را برطرف کند و بر دشمن چیره گرداند، خداوند متعال نیز آنان را پیوسته در مقابل شیاطین پیروز نموده و عجز و ناتوانی را بر مخالفینشان مستولی می‌فرماید. (11)

و الحمدلله رب العالمین

999/702/ب/ر

منابع:

- 1- ر.ک به سیره پیشوایان/مهدی پیشوایی/بخش امام عسکری علیه‌السلام
- 2- الخراج و الجرایح/قطب راوندی/ج1/ص39
- 3- بحارالانوار/علامه مجلسی/ج50/ص290
- 4- کمال الدین و تمام النعمة/شیخ صدوق/ج2/ص384
- 5- دلائل الامامة/ابن جریر طبری/ص503
- 6- ر.ک به: موسوعة طبقات الفقهاء/جعفر سبحانی/ج3
- 7- کافی/کلینی/ج1/ص509
- 8- الاشاد/شیخ مفید/ج2/ص329
- 9- اعلام الوری باعلام الهدی/فضل بن حسن طبرسی/ص376
- 10- احتجاج/احمد بن علی طبرسی/ج1/ص18
- 11- همان